

انارزیریا تحریک افندی و عمل الساعه ان



از : دکتر مهدی کی‌نوا - استاد دانشگاه

محیط فاسد، انسان را به جهنم الکلیسم سوق میدهد.

الکلی فاقد احساس و عاطفه و اراده و غیرت است چنین انسانی عضو مفید برای خانواده و جامعه خویش نخواهد بود.

الکلیسم نابودی انسان به دست خویشتن است. الکلیسم نمودار عناد به خود و خودآزاری است که ریشه در منجلاب عقده ادیپ دارد با این توجیه: فرد مبتلای به عقده ادیپ که در کشتن پدر توفیق نیافته است تغییر سمت میدهد و سرگ را متوجه خویشتن میسارد و با نوشیدن سم الکل در نابودی خویش میکوشد و از خویشتن انتقام بگیرد.

مسائل جوانان گمراه و ارشاد نشده و بی‌ملجاء و سرگردان و حیرت‌زده دنیا را اینک الکل و مواد مخدر و بی‌بندوباری جنسی به

در سخنان پیشین، با استفاده از پژوهش دانشمندان گرانمایه و نامی جرم‌شناسی، روانشناسی، جامعه‌شناسی، پزشکی و روانپزشکی و آمار سراز رسمی و علمی دریافتیم که الکل چه فتنه‌ها و چه آشوبها برپا میکند و چه عواقب شوم فردی و چه مخاطرات دهشتناک برای خانواده و یک‌سلسله دربر دارد.

دریافتیم که اعتیاد به الکل ثمره عدم بستگی‌های عاطفی است و گروهی برای سرکوبی تمایلات همجنس‌بازی به الکل پناه می‌گیرند. بی‌کفایتی فردی و شکست در زندگی و ناکامی هم ممکنست زمینه را برای اعتیاد به الکل فراهم سازد. عقده حقارت، خامی، عدم رشد روانی، ناستواری، سلطه‌جویی یا استیلا - طلبی، سستی اراده و زبونی، تقلید کورکورانه،

وجود میآورند. در کشورهای دچار الکل و در ژرفای جوامع الکلیک، با مسائل مختلفی از قبیل ازدیاد عصیان و سرکشی و جرائم گوناگون مستان، موج بیماریهای ناشی از فساد الکلیسم، افزایش متصاعد جرائم جنسی و بیماریهای روانی خاصه جنون الکلی، توسعه روزافزون مراکز فساد، مقاومت و خیرمری در برابر قانون، عناد و لجابت در برابر سنت‌های مستحسن حاکم بر جامعه، برخورد‌های خشن و دردناک و فاجعه‌زاکه به جنایات فوری و وحشتناک می‌انجامد، با سقوط اخلاقی و ازدیاد طلاق و ازهم پاشیدگی خانواده‌ها و انحطاط و واژگونی‌های خطرناک رو به‌رو می‌شویم.

همه اینها، همه نابه‌سامانیه‌ها، کج‌رویه‌ها و کج‌خوئیها، تمام اضطرابها، تمام عصیانها، همه و همه از یک چیز حکایت میکند و آن دور افتادن و جدا شدن این انسانهای ناکام از اصل ایمان است و بس.

پس از شناخت این جدایی‌یابی ایمانی

که علت‌العلل مشترک تمام ناراحتیه‌ها و کزیها و بدیه‌ها و معاصی و جرائم شناخته شد اینک نویت به بررسی سایر عوامل روانی و اجتماعی مؤثر در پیدایش الکلیسم و اشاعه آن میرسد.

برای چه می‌موشند؟ - علل و عوامل روانی میگساری بدانسان که اشاره شد به شرح زیر خلاصه میشود:

بی‌ایمانی - تعارض و عدم تعادل در شخصیت - انحطاط - ماجراجویی - فقدان بستگی‌های عاطفی - عقده حقارت - عقده ادیپ - عناد به‌خود و خودآزاری - بیکفایتی - سستی اراده - انحراف جنسی - پیری پیش‌رس - ناتوانی جنسی - نداشتن عقل معاش - روان پریشی شور و افسردگی - غمگینی - خستگی

روانی - از عواملی هستند که گریبانگیر میگساران می‌باشند و در هر فرد الکلیک ممکنست یک یا چند عامل از این عوامل را جستجو کرد ولی تنها عوامل روانی نیستند که انسانرا بسوی میگساری میکشاند عوامل اجتماعی نیز وجود دارد که مزید برعلل روانی میشود و عمده آنها به این شرح است:

جامعه صنعتی - کارهای طاقت‌فرسا - نداشتن برنامه صحیح برای اوقات فراغت - نقص تعلیم و تربیت - آزادی تجارت الکل - دگرگونی فرهنگ ملی و ازبین رفتن قبح اجتماعی میگساری - کاشانه بی‌رونق و بی‌عرضگی زن.

توضیح اجمالی درباره بعضی از عوامل مجموعه فوق شاید راه‌گشای ما در یافتن چاره کار باشد.

جامعه صنعتی - آنروز که بشر در آغوش باز و به‌ناور طبیعت به کشاورزی میپرداخت، با کوه سر به فلک کشیده، با انبوهی جنگل، با دشت و چمن، با زمزمه آرام جویبارها، با امواج کف‌آلود رودخانه‌ها، با ترنم دلپذیر آبشارها، با نغمه سلکوتی پرندگان خوش‌آواز، در فضای باز و سبز و محیط‌گسترده، با امیسد فراوان، با قلبی سرشار از محبت، با خلوص و صداقت و حریت، زندگی با سعادت و شادکام و خالی از دغدغه خاطر داشت و مفسنون زیباییهای طبیعت بود و فرصت فکر کردن و اندیشیدن و لذت بردن از مظاهر طبیعی داشت، سهمان‌نوازی و بخشندگی و گشاده‌دستی از فضایل بزرگ و پسنندیده‌اش مرده می‌شد آنروز گذشت. در آنروزگار وی سعادت‌مند بود و جودش سرشار از محبت و خلوص و صفا. اما امروز جهان بر بشر جای تنگی شده است آدمی به انواع مشکلات و مصائب گرفتار آمده،

کمبود مواد غذایی، کمبود مسکن، وقفه در
رشد معنوی و کمبود امکانات پیشرفت معنوی،
کمبود تفریحات سالم، کمبود فرصت برای
اندیشیدن، کمبود محبت، کمبود خلوص، کمبود
حریت روزبه‌روز با شدتی هرچه بیشتر او را
تهدید میکند. او که روزی می‌اندیشید که
برای سیادت و سعادت انسانی، صنعت را به



شکاه علوم انسانی و اجتماعی
پتانسیل جامع علوم انسانی

خدمت درآورده متأسفانه به جایی رسیده است که اسیر و برده صنعت شده است غرق در آهن و پولاد شد نیاز به آرامش درون، نیاز به پاک اندیشیدن، نیاز به الفت و دوستی، نیاز به احترام، نیاز به معنویات و اخلاقیات انسانی را از یاد برد. زندگی دردناکی برای خود پی افکند. محیط زیست خود را آلوده و پر از دود و غوغا و جنجال کرد، محیط معنوی خود را تاریک و غضبناک و دستخوش هیجانات و ناپاکی ها و دورویی ها و پستی و بی مبری و شقاوت ساخت. این انسان گم گشته از اصل خویش - در تسخیر آسمانها پیروز میشود ولی در راه یافتن بدنها گمراه و بداندیشه. آنچنان صدای غرش سهمگین و توان فرسای سوتورهای کارخانه های سنگین ساخته خویش، گوشهایش را کر ساخته که دیگر صدای فریاد دلخراشش حتی به گوش خودش هم نمیرسد و چشمهایش آنچنان در شدت نور خیره و بی فروغ شده که نیروی خود دیدن را از دست داده و آنچنان از خود بیگانه شده که دیگر خود را نمیشناسد. خودشناسی موقوف گردید، استمارگروهی انسانها به دست انسانها آغاز شد و در این راه به اوج شقاوت و بیدادگری رسید. گروه رنجبر رنج دیده برای رهائی از فشارها و امواج صوتی توان - فرساکه اعصابش را خسته و فرسوده ساخت به لیکورها و نوشابه های الکلی تقطیر شده پناه میبرد.

انریکوفری که اثر او به نام «جامعه شناسی جنائی» شهرت جنائی دارد درباره رابطه الکلیسم و صنعتی شدن جوامع چنین مینویسد:

«الکلیسم، همچون ولگردی و بزه، همیشه به صورگوناگون وجود داشته است اما در سده نوزدهم به صورت یک آفت عمومی

و وحشتناک درآمده است. این امر نتیجه اراده آزاد سفاکی اخلاق افراد نیست بلکه واکنش اثر تمدن است. صنعتی شدن علت بزرگ الکلیسم است. زیرا کارگران را به کارهای صعب و طاقت فرسا وامیدارد و در نتیجه اینگونه کارگران برای ترمیم قوای از دست رفته به دنبال انرژی موهومی و موقتی الکل میروند و از دیگر سو، صنعتی شدن، خود موجب گردید که تولید الکل به هر اندازه و هر کیفیت، به قیمتی بسیار ارزان، میسر شود و سم خطرناک الکل (که امروزه از همه چیز، از شراب گرفته تا سیب زمینی و حتی چوب تهیه میشود) بیش از سده های گذشته حیات اجتماعی را مورد تهدید قرار دهد.»^۱

از عمر صنعتی شدن جهان غرب و دیگر کشورهای صنعتی بیش از چند سده نمیگذرد ولیکن استعمال نوشابه های تخمیری تاریخی بسیار کهن دارد و این امر از قدیم الایام سابقه داشته است پس چگونه میتوان بین الکلیسم و پدیده نوین صنعتی شدن وجود رابطه علت و معلولی را پذیرفت؟ فری به این سؤال مقدر چنین جواب میدهد:

«پیشینیان به وسایل صنعتی کنونی آشنائی نداشته اند و الکل را از آن جهت آب حیات مینامیدند که آنرا به عنوان دارو برای درمان به کار میبردند. بنا بر آنچه Magnus HUSS (۱۸۴۹-۱۹۰۵) در استکلم شرح داده است، مستی ناشی از شراب و آبجو و شراب سیب وجود داشته است ولی الکلیسم وجود نداشته است.»

«پیشینیان اندکی لب تر میکردند در نتیجه بانشاط و پر حرف و حلیم میشدند. ولی رفته رفته جای خود را به سیگسارانی دادند

که رنگ بر چهره ندارند در عوض مردانی زودخشم و خشن و دارای خوی حیوانی هستند.»

افسانه‌های ملل و قرون گذشته مانند «سیب حوا»^۲ و «سومای هند»^۳ و «مداروپای شمالی»^۴ (احتمال می‌رود که شراب سیب بوده باشد) همگی دلالت دارند که مستی همیشه وجود داشته است زیرا همه آنها کنایه و رمزی از نوشابه‌های تخمیری است. همچنین یکی از افسانه‌های عرب درباره درخت مو می‌گوید: «آدم آنرا کشت و با خون میمون و شیر و خوگ آنرا آبیاری کرده است.» این افسانه محققاً کنایه از آثار فیزیوپسی شیک^۵ مستی است (حاکمی از مراحل مختلف تأثیر شراب است: نخست میگسار مانند میمون شنگول میشود و سعی میکند موجب سرور و نشاط دیگران شود سپس مانند شیر درنده خو می‌گردد و سرانجام چون خوگ بی‌غیرت میشود...) مستی بزرگترین عیب طبقه مرفه سده‌های میانه محسوب میشده است. این عیب به علت تغییر اوضاع اجتماعی و رواج نوشابه‌های دیگر مانند چای و قهوه و غیره، از بین رفته و یا آنکه خیلی کم مانده است زیرا بشریت همیشه در برابر محرک‌ها خود را حریص جلوه داده است و هنگامیکه نوشابه‌های تخمیری نمییافت به حرکات فوق‌العاده تند و جنبش‌های موزون رقص و غیره متوسل میشد.»

«الکلایسم ناشی از لیکورها بیش از مستی ناشی از شراب، یک علت مسلم انحطاط فیزیولوژیک و عقلی و اخلاقی است فجع‌ترین و عجیب‌ترین تبه‌کاریها اغلب بر اثر الکلایسم وقوع یافته و مخصوصاً از افراد مصروع مست سرزده است.»

کاشانه بی رونق - کارمند یا کارگر یا پیشه‌ور به هنگامیکه از کار روزانه دست میکشد طبیعی است که با شوقی وافر به دیدار خانواده خود بشتابد و خستگی روزانه را به دست فراموشی سپارد اما آنرا که کلبه تنگ است و تاریک، گرمای تابستان و سرمای زمستان در میان چهار دیواری محقر آن توان فرساست، فرزندان ناراحت و افسرده و پزمرده، همسر دل‌تنگ و پریشان، او را از چنین کانونی با مجموعه‌اش گریزان و به‌سوی سیخانه روان سینماید تا در آنجا پناهگاهی بجوید و یا با بارانی دلپذیر همدم و هم‌نشین گردد. البته همیشه وضع بدین منوال نیست و عقیده مخالف آنرا نیز باید مورد توجه قرار داد و به پروفور پل‌پرن که از آثارش یاد نموده‌ایم باید حق داد که مینویسد: همیشه خانه محقر و بی‌رونق موجب میگساری نیست بلکه بیشتر اوقات میگساری موجب میشود که خانه محقر و بی‌رونق گردد و علت و معلول جای خود را به یکدیگر میدهند زیرا سهم زیادی از درآمد کارگر که باید صرف تهیه وسایل زندگی و توسعه خانه او شود به مصرف نوشابه‌های الکلی میرسد و در واقع این الکل است که خانه را بی‌رونق میگرداند و فرزندان را علیل و بهانه‌جو و زن را کج خلق بار می‌آورد.

بی‌عرضگی زن عاملی است که مرد را به میکنه سوق میدهد خاصه اگر زن هم تن به سی پرستی داده باشد. زنانیکه از هنر خانه‌داری و تدبیر منزل بی‌بهره‌اند و قادر نیستند نظمی در خانه خود ایجاد کنند و حتی در تهیه غذای ساده مورد علاقه خود ناتوانند در عوض زبانی زهرآگین و روئی ترش دارند آیا انتظار دارند که شوهرانشان سر در چنین آستانه جهنمی نهند و آرامش خود را در



ژئوشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نیست محتوای این «درک» چیست و چه باید باشد؟

اغلب فشار غریزه جنسی دختری را در آغوش پسری جوان میکشاند و پس از آنکه از وصل یکدیگر کاسروا شدند تازه چشم میگشایند که زندگی غیر از ارضای غریزه جنسی مستلزم تأمین خواسته‌های دیگر نیز میباشد. گفتنی‌ها درباره این مسأله اساسی اجتماعی، که اغلب جوانان، آنرا امری

میخانه بچویند؟

متأسفانه امر ازدواج برای بسیاری از جوانان، دیگر یک مسأله جدی تلقی نمیشود در انتخاب همسر به نکات اساسی برای پیریزی یک زندگی مشترک دائمی عنایتی نمینمایند. آنچه که به صورت «مد» روزدرآمده و فکر پسران و دختران، را در آستانه ازدواج سخت به خود مشغول داشته این است که آیا یکدیگر را «درک» میکنند یا نه؟ معلوم

خصوصی پنداشته‌اند ، بسیار است .

خلاصه ، اغلب از دختران ما ، نه در خانه و نه در آموزشگاه ، درس زندگی فرا نمیگیرند و پسران ، هم در امر زناشویی ارشاد و رهبری نمیشوند و گوشه‌ای از مشکلات زندگی جوانان همین مسأله است .

اغلب جوانان ما نه فقط خوب ارشاد نمیشوند بلکه در کجرویهها و تقلیده‌های غلط و بیجا افراط میکنند آنچنان مجذوب‌ره‌آورد‌های کثیف غرب شده‌اند که اصطلاحات «پارتی‌ها» با تمام ویژگی‌های گوناگون آن‌ها در محافل جوانان و دانشجویان راه یافته است و اهمیت هر یک از این مهمانها و جشن‌ها با میزان نوشابه‌های الکلی گران‌قیمت که در آن مصرف شده سنجیده میشود . اغلب در همین مجالس است که پسران و دختران ما از باده سرمست میشوند برای رقص و پایکوبی در آغوش هم میروند و در آن لحظات که هر دو بر اثر مستی فاقد شعور شده‌اند یکدیگر را «درک» میکنند و طرحی رؤیایی برای زندگی مشترک آینده خود میریزند و هردو یکدیگر را فریب میدهند و همینکه دختر گوهر عفت خود را از دست داد و مستی از سر پسر به دررفت خواه ناخواه بر اثر مقررات اجتماعی ما در گوشه زندان یا دفتر بازپرس باید به زندگی ناسازگاری تن در دهند که عمری بسیار کوتاه خواهد داشت و یا آنکه پاره‌ای از دختران فریب خورده از راه همان پارتی‌ها به سوی پرتگاه سقوط میشتابند .

از روزی که کشور ما به نظام صنعتی روی آورد متأسفانه نکبت آنرا در تحول فرهنگی خود پذیرفت . شصت سال پیش از این ، در این سرز و بوم ، افراد معدودی پنهانی و به ندرت باده مینوشیدند ، میخوارگی‌گناه

شمرده میشد ، کوچکتران برابر بزرگتران لب به می نمیآلودند . زنان اصولاً از میگساری گریزان بودند تهیه نوشابه‌های تخمیری تنها از منازل معدود و معینی چند تن غیرمسلمان میسر بود . امروز میگساری قبح اجتماعی و ملی خود را تقریباً دارد از دست میدهد . اماکن نوشابه فروشی شاید از دکانهای نانوائی و قصابی و از آموزشگاه‌ها و مساجد و عبادتگاهها فراوانتر باشد .

اوقات فراغت - آدمی موجودی است

اجتماعی ، در اجتماع چشم به دنیاگشوده و در اجتماع میتواند زندگی کند از تنهایی و انزوا گریزان است . اجتماعی بودن را از غرائز انسانی میداندند . همچنانکه آدمی به خوراک و پوشاک نیازمند است به تفریح و وسیله‌ای که از او رفع خستگی کند نیز محتاج میباشد . افرادی که نمیدانند اوقات فراغت خود را چگونه بگذرانند ممکنست به میخانه پناه‌برند کانیست در اروپا به میزان مصرف نوشابه‌های الکلی از عصر شنبه تا صبح دوشنبه توجه نمائیم این ازدیاد ، نشانی از آنست که ملت‌های پیشرفته هم نتوانسته‌اند برای اوقات فراغت خود چاره‌ای صحیح بیندیشند و طرحی سالم بریزند .

آمار نشان داده است به محض آنکه تقلیلی در ساعات کار کارگران داده شد فوراً به همان نسبت الکلیسم رویه افزایش گذاشت . این نکته نیز مؤید آنست که سرگرمی در اوقات فراغت از احتیاجات واقعی آدمی است و پناه به الکل بردن برای سرگرم شدن یک نوع کوتاه‌فکری و نشانی از ضعف قوای عاقله است که آدمی را از شرکت در فعالیت‌های جمعی ، در سطحی عالی ، باز میدارد . فری در این زمینه ، عامل اجتماعی



مکتب عام علم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

گردد ولی به مناسبت مقال درباره اوقات فراغت
سیتوان به این نکات اشاره کرد :
شوق به مطالعه را در نوجوانی در
فرزندان خود برانگیزیم .
استفاده از کتابخانه های عمومی و محلی
را جزء عادات فرزندان خود سازیم .

الکلیسم را از یکسو در دو کلمه خلاصه
سینکند : بینوائی و خستگی - از سوی دیگر
درفراغت و مبارزه هیجان انگیز برای ثروت .
هرچند درباره چاره کار باید بحثی بسبوط
پیش کشیده شود و طرحی همه جانبه به
صورت یک رستاخیز ملی دراین زمینه ارائه

در آزمایشگاه‌های تحقیقی و تجسسی را به روی آنها بگشاییم تا روحیه حقیقت‌جوئی و پی‌گیری علمی در آنان بیدار شود .

ذوق هنری را در فرزندان خود زنده سازیم و استعدادشانرا رشد دهیم تا در ساعات فراغت به اسور هنری مانند نقاشی ، عکاسی ،

فیلمبرداری ، مجسمه‌سازی ، هنرهای تزئینی ، خطاطی ، خیاطی ، صحافی ، حکاکی ، گل‌سازی ، گلدوزی ، پرورش گل ، تآتر ، خطابه ، موسیقی ، و شرکت در امور سازندگی ، ورزش و مسابقات بپردازند .

گمان می‌رود که اگر دستیابی جوانان شائق جهان‌به یک میدان ورزش آسانتر از دستیابی او به یک میکه باشد شاید این مشکل به اینصورت بروز نکند در هر حال قدر مسلم این است که سرگرمی ناسالم جوان را به کار ناسالم میکشاند و باز بهتر از همه اینکه در آموزش و پرورش و ورزش ما به پرورش اجتماعی و به یک بنیاد اخلاقی ، به آموزشهای آداب جوانمردی ، و بزرگواری توجه شود. باید کاری رابه جانی برسانیم که یاردیگر نسل مردان نیک و شاداب و تندرست و بزرگان‌گردن‌فراز و برکشیده نامت ، خاضع و خاشع و مهربان تکرار شود و از این تنگی و تاریکی و فقر اخلاقی بیرون آئیم .

پدران ، مادران ، اولیاء و مربیان ! به این نوشداروی معجزه‌آسا بار دیگر توجه فرمائید : انسانی تشنه محبت است ، کودکان بیش از نوجوانان و نوجوانان بیش از جوانان و جوانان بیش از کلان‌سالان به محبت و نوازش نیازمندند از چهره گرفته و غم‌آلود و بی‌مهر و بی‌اعتنائی شما دلخور و ناخشنود

میشوند . چهره روی آنها بگشائید ، بشاش باشید ، لبخند محبت‌آمیز را فراموش نکنید ، با نوجوانان و جوانان به‌گفت‌و‌شنود بشنیدید و به سخنان آنان مشتاقانه گوش فرا دهید بگذارید آنها شما را محرم اسرار خود بدانند ، بگذارید ناگفتی را با شما در میان بگذارند . بگذارید از شما راهنمایی بخواهند و چاره‌کار را از شما جویا باشند . محیط خانواده را برای آنان جایگاهی ایمن سازید از کودکی آنانرا به خانواده و قوانین و رسوم پسندیده پای‌بند سازید . در دل آنان با سخنان نرم و دلنشین راه یابید . خود پای‌بند به اصول اخلاقی باشید تا الگوهائی برای تقلید آنان گردید .

مبحث «الکلیسم و تبهکاری» راکه این محقق‌گرانیامه در صفحات ۲۷۴ تا ۲۸۴ اثر خود مورد بررسی دقیق قرار داده است با متن کامل آنرا به زبان فارسی برگردانده ، در صفحات ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۷ جلد سوم علوم جنائی «جامعه‌شناسی جنائی» آورده‌ایم . انتشارات دانشگاه تهران ، شماره ۱۰۰۵/۳ سال ۱۳۴۶ هجری خورشیدی .

- (1) - Enrico FERRI, Sociologie criminelle, Paris, 1914, p. 278.
- (2) - Pomme d'Evee
- (3) - Soma de l'Inde
- (4) - Medh de l'Europe
- (5) - Physio - psychiques